

پشت پرده نامگذاری یک محله

ویژگی:

۳ روایت مختلف
درباره نامگذاری این
محله وجود دارد

موضوع:
وجه تسمیه
محله

روایت های مختلفی درباره تاریخچه شکل گیری محله نفر آباد- هاشم آباد وجود دارد. حسین موسوی، پژوهشگری که مدتی است در حال پژوهش درباره محله نفر آباد- هاشم آباد است در حالی که از این محله با عنوان یک اتحادیه ایلی، یاد می کند، می گوید: «ایل نفر ابتدا در استان فارس مستقر بودند و جزو ایل قشقایی محسوب می شدند. بعدها بر مجموعه اتحادیه ایلی، ایل خمسه (۵ ایل بهارلو، اینانلو، نفر، بصری و عرب) شدند و در زمان های مختلف



به صورت گروهی به شهرری مهاجرت کردند. در حقیقت نفر آباد و هاشم آباد محله در هم تنیده هستند که از لحاظ قومیتی و فرهنگی تقریباً یک قوم را تشکیل می دادند و هنوز هم با هر دو نام یاد می شوند. بر اساس وقف نامه تکیه که یکی از مراکز کهن این محله بوده است، قدمت نفر آباد به ۳۸۶ سال پیش برمی گردد. البته بر اساس مصاحبه های محلی، عده ای از گذشتگان گفته اند از ۴۳۰ تا ۴۵۰ سال پیش محله استقرار داشته و اهالی در آن فعالانه زندگی می کردند.»

این پژوهشگر درباره وجه تسمیه نفر آباد، می گوید: «مهاجرت ایل نفر به شهرری و همان نام ایلی خودشان را باید به عنوان وجه تسمیه محله در نظر بگیریم. اما نظریه دیگری هم وجود دارد؛ باتوجه به اینکه اهالی این محله از نژاداران یا شترداران دوره صفویه و قاجاریه بودند اینجا چنین وجه تسمیه ای به خودش گرفته است. در این بین عده ای هم می گویند، افرادی از شهرهایی مانند اصفهان و یزد به اینجا می آمدند و به شکل نفر به نفر در محله اسکان پیدا می کردند به همین خاطر اینجا محل نفر آباد نام گرفته است. البته درباره شکل گیری اولیه محله سه نظریه مختلف به نقل از اهالی وجود دارد. عده ای معتقدند هسته اولیه محل در زمان صفویه شکل گرفته است، عده ای دیگر آن را به دوره کریم خان زند نسبت می دهند و یک نظریه هم این است که در زمان پایتخت شدن تهران، مسئولان حکومتی قاجار جمعیتی را در این محدوده گنجانند.»

نفس های تاریخ در قلب ری

نفر آباد - هاشم آباد محله ای با هویتی کهن، سرشار از خاطرات و روایت هایی است که می شود با آن هویت شهرری را مرور کرد. کافی است همت کنید و این روزها راهی این محله قدیمی شوید؛ هنوز باقیمانده خانه های قدیمی با طاقچه ها و طاق های دیدنی برایتان تاریخ را روایت خواهند کرد.

دالان های پیچ در پیچ و کوچه پس کوچه هایی که همچنان شور زندگی در آنها جاری است شمارا مهمان مردمانی می کند که تاریخ شفاهی محله را خط به خط زمزمه می کنند. اینجا بخش مهمی از تاریخ ری نفس های آخر را می زند و زیر بار شهر نشینی، همچنان ایستاده است. در ویژه نامه محله های نفر آباد - هاشم آباد با مرضیه رحمانی، رضا بیک، حسین موسوی پژوهشگر و محقق، محمد علی تقوی راد مدرس دانشگاه، علی اربابی ری پژوه، حسین ابوترابی، ناصر قاسم، محسن و مجید سبزی علی معتمد محله های نفر آباد - هاشم آباد گفت و گو کرده ایم.



محمدعلی تقوی

مرضیه رحمانی

مجید سبزی علی

حسین ابوترابی



ناصر قاسم

علی اربابی

رضابیک

حسین موسوی

خانه امید و گره گشای اهالی



بود، خانم ها بیایند و پسر بچه های زبردست و کوچک، هر کاری که می توانست انجام می داد تا اوضاع زندگی برای ساکنان محل بهتر شود. برای مثال آن زمان خانه ها آب انبار نداشت و اهالی برای تامین آب مشکل داشتند. او برای اینکه اهالی هم از آب انبار خانه استفاده کنند، پاشیر گذاشته بود. معتقد بود این خانه و امکاناتش به همه اهالی تعلق دارد. حتی اهالی اغلب مراسم شان را هم در همین حیاط و

موضوع:
حاج
سیدجواد
ابوترابی

ویژگی:

مورد اعتماد و
امین محله بود و هر
کاری از دستش برمی آمد
برای اهالی انجام
می داد

یکسر از صبح تا شب در اتاق بالا می نشست و حرف دو طرف را می شنید، بعد قضاوت می کرد و ماجرا حل و فصل می شد. دغدغه او همیشه امور محل و هم محله ای ها بود. اهالی محل را جزو خانواده اش می دانست. به همین خاطر همیشه در خانه باز بود تا اهالی محل هر چیزی که لازم داشتند از آب گرفته تا خورد و خوراک از اینجا بردارند. چون اهل و عیالش در این خانه زندگی می کردند فقط حاج آقا خواهش کرده

کوچه ای با خاطرات کهن اهالی هاشم آباد در ضلع جنوبی حرم شاه عبدالعظیم (ع) دقیقاً جایی که ساختمان پررنگ و لعابی در آن در حال ساخت است، به خانه قدیمی و تاریخی خاندان ابوترابی منتهی می شود؛ خانه ای با حوض بزرگ، دیوارهای کاهگلی و معماری قدیمی که دور تا دور حیاطش را اتاق های بی شماری احاطه کرده است؛ اتاق هایی که در سال های دور مأمن خانواده ابوترابی بود و امروز هر اتاقش توسط یک خانواده اجاره شده و در آن ساکن هستند. آن دوران وقتی بین اهالی محله هاشم آباد اختلاف پیش می آمد همه راه خانه حاج سیدجواد ابوترابی را پیش می گرفتند تا او میان کار را بگیرد و غائله ختم به خیر شود. از بس این رفت و آمدها زیاده بود، از کوچه در و راه مخصوصی در نظر گرفته شد تا حریم اهل خانه محفوظ باقی بماند.

حسین ابوترابی، نوه حاج سیدجواد ابوترابی و از ساکنان قدیمی محله هاشم آباد درباره خاطراتش از این خانه و خاندان ابوترابی می گوید: «در چوبی خیلی بزرگی بود و از کوچه به خانه راه داشت که ما به آن حیاط کوچیکه می رفتیم و سیدجواد اینجا را برای رتق و فتق امور دعوای محلی، دعوای کشاورزی سر آب یا سر مرزبندی زمین در نظر گرفته بود. چون آن دوران هر دعوایی که می شد خودشان می گفتند می ریم خانه سیدجواد، هر چه او حکم کرد. سیدجواد هر روز

پهلوان حسین مثل کوه پشت آشنا و غریبه بود

برخی به او را بین هود شهرری لقب داده بودند. مشتی بود و سفره دار. مرحوم پهلوان حسین کمره ای با آن هیبت و رخ مردانه اش نماد مردانگی و غیرت میان اهالی نفر آباد بود. مگر کسی می توانست نگاه چپ به اهالی نفر آباد بیندازد؛ پهلوانی آنجا زندگی می کرد که محال بود از خطای نابجای نامردی بگذرد. حسین کمره ای با اینکه در دفتر زندگی اش خاطرات بزنجارهایش نیز نقل شده است اما همه او را به وفا و غیرت می شناسند. حتی اگر از کسی باج می گرفت آن را خرج فقرا و نیازمندان می کرد. حسین ابوترابی از قدیمی های محله هاشم آباد می گوید: «او مثل کوه پشت بچه محله های هاشم آباد بود. مهمان نوازی و غریب نوازی اش حرف نداشت. از مرحوم پدرم سیدمصطفی ابوترابی که همدوره و رفیق حسین آقا بود شنیدم که می گفت: «روزی در قهوه خانه محل نشسته بودیم. مردی قوی هیکل گوشه ای خزیده بود و بی صدا اشک می ریخت. آن هیبت مردانه از شدت غصه تکان می خورد. من و حسین کمره ای نگاهمان متوجه مرد شد. آقا حسین گفت: مرد چته؟ مرداعتنایی نکرد. خب محال بود کسی جواب حسین آقا ندهد. قهوه چی سریع به بهانه برداشتن استکان چای به پهلوی مرد غریبه زد و گفت: حسین آقا فحش چته؟ مرد سری بلند کرد و بدبختی اش را اینگونه نقل کرد: یک سالی از ورامین بار آوردم بازار ششوش. پولم را رنگرفتم تا سر سال جمع شود. می خواستم با پولش

موضوع:
سبک زندگی
معروف ترین
پهلوان شهرری

ویژگی:

پهلوان حسین
کمره ای سفره دار و
حامی نیازمندان بود



برای دخترم جهاز بخرم. اما وقتی با پول یک سال کارم به شهرری رسیدم لات های محله که متوجه پولم شده بودند دورام کردند که بیا بازی کن و اگر ببری بیشترش را به جیب می زنی. من نادان و غافل قبول کردم و در چشم برهم زدن همه دسترنج یک سالام را به باد دادم. حسین آقا که آن روزها بسیار معروف بود، به توجهش بیرون در قهوه خانه اشاره کرد و برو پشت بام حمام به فلانی بگو پول فلانی را زود بفرست قهوه خانه. نوجه که رفت در کسری از ساعت برگشت با دستمال پر از پول. حسین آقا پول ها را به مرد غریب داد و خودش هم مقداری رویش گذاشت و گفت: همراه نوجهام به مغازه فلانی و فلانی می روی و همه خرید جهاز دخترت را انجام می دهی. اسم من را بگویی تخفیف هم می دهند. اگر دوباره ببینم قمار کرده ای و خطا رفتن ای جفت گوش هایت را می برم و داخل دستمال می گذارم.»